

اعاده دادرسی در داوری: نقد قانون داوری تجاری بین‌المللی و طرح جامع داوری با ارائه راهکار در جهت بهبود فرایند

* محمدامین کبیری

* هدایت‌اله سلطانی‌نژاد

DOI: <https://doi.org/10.22096/law.2025.2039147.2237>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷]

چکیده

با گسترش تجارت بین‌المللی، داوری به‌عنوان یک روش مؤثر و سریع برای حل و فصل اختلافات ظهور کرده است. برای تضمین عدالت در داوری، ابزار اعاده دادرسی می‌تواند به‌عنوان راهی برای بازنگری در آرای داوری مورد استفاده قرار گیرد. در قانون داوری تجاری بین‌المللی و نیز طرح جامع داوری، مقرراتی برای اعاده دادرسی در داوری وجود دارد که نیازمند نقد و بررسی دقیق‌تری است. هدف این تحقیق که به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است، شناسایی مشکلات فرایند اعاده دادرسی در داوری، در این قوانین و ارائه راهکارهایی برای بهبود این فرایند است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که با تعیین نوع آرای قابل اعاده دادرسی در داوری، تفکیک میان مقررات اعتراض برای ابطال رأی با طریقه اعاده دادرسی در داوری و تعیین جهات و مهلت مناسب، می‌توان فرایند اعاده دادرسی در داوری را بهبود بخشید. همچنین می‌توان از سازوکارهای مؤثرتری برای مدیریت فرایند اعاده دادرسی در داوری استفاده کرد و همان رویکرد قانون نمونه در بند ۴ ماده ۳۴ را جایگزین شیوه اعاده دادرسی در داوری حاضر نمود. درنهایت، راهکارهای پیشنهادی می‌تواند مبنای طراحی طرح جامع داوری باشد و چالش‌های اعاده دادرسی در داوری را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: اعاده دادرسی؛ اعاده داوری؛ تضمین عدالت در داوری؛ قانون داوری تجاری بین‌المللی؛ طرح جامع داوری.

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: maminkabiri@yahoo.com

Email: dhs1339@gmail.com

* استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران



۱. مقدمه

اعاده دادرسی به عنوان یکی از نهادهای مهم در نظام های حقوقی، ابزاری برای بازبینی احکام نهایی است که مورد اعتراض است. در این فرایند، محکوم علیه می تواند از مرجع صادرکننده حکم، به دلایل مختلف از جمله اشتباهات دادگاه یا طرف دعوا، تقاضای نقض حکم نماید. گاهی اوقات به دلیل خطاهای انسانی، حکمی صادر می شود که باعث تضییع حقوق افراد است؛ اعاده دادرسی می تواند عدالت بیشتری را برای سیستم قضایی به ارمغان آورد و حقوق افراد را بهتر تضمین نماید. درواقع اعاده دادرسی به عنوان راهی برای بازگشت به عدالت و اصلاح اشتباهات در سیستم های قضایی کاربرد دارد. این فرایند به دادگاه ها اجازه می دهد تا تحت شرایط خاص، از رأی سابق خود عدول کرده و انصاف را در دادرسی ها تضمین کنند. براین اساس، نحوه تنظیم فرایند اعاده دادرسی در نظام های حقوقی، موضوعی است که همواره توجه محققان را به خود جلب کرده است.

در نظام قضایی ایران نیز اعاده دادرسی جایگاه ویژه ای دارد و در حال حاضر، فصل سوم قانون آیین دادرسی ۱۳۷۹ به اعاده دادرسی، جهات، مهلت و نحوه رسیدگی آن اختصاص دارد. البته به موجب ماده ۴۲۶، اعاده دادرسی تنها به احکام قطعی تعلق دارد. از این رو، اینکه آیا آرای داوری نیز به موجب این قانون قابل اعاده دادرسی هستند یا خیر، محل تردید است. این در حالی است که داوری نیز مانند قضاوت شیوه ای توافقی برای حل اختلافات است و رأی آن مستند به ادله صادر می گردد. در نتیجه، طبیعی است که اشخاص درگیر داوری، خواهان رسیدگی مجدد در فرض حصول شرایط اعاده دادرسی برای داوری باشند. شاید چون متن قانونی صریحی درباره اعاده دادرسی در داوری وجود نداشته است، قانون گذار سال ۱۳۷۶ در ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین المللی، بندهایی را برای ابطال رأی داوری پیش بینی کرده است که از یک طرف، در قانون نمونه آنسیترال ۱۹۸۵ (که قانون داوری تجاری بین المللی ایران برگرفته از آن است) وجود نداشته است^۱ و از طرف دیگر، تقریباً از همان ادبیاتی برخوردار است که در بندهای ۶ و ۷ ماده ۵۹۲ قانون آیین دادرسی ۱۳۱۸^۲ در باب

۱. منظور بندهای «ز»، «ح» و «ط» است که در قانون نمونه نیامده است، اما به قانون داوری تجاری بین المللی اضافه شده است. دو بند «ح» و «ط» مدنظر این مقاله است که با بحث اعاده دادرسی هماهنگی دارد.

۲. لازم به ذکر است که قانون داوری تجاری بین المللی در سال ۱۳۷۶ به تصویب رسیده است، یعنی سه سال پیش از تصویب قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹. در زمان تصویب قانون داوری تجاری بین المللی، قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ حاکم بود و مقررات اعاده دادرسی در ماده ۵۹۲ آن قانون پیش بینی شده بود. با این حال، در این پژوهش به منظور انطباق با وضعیت حقوقی فعلی و با توجه به اینکه در حال حاضر قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ حاکم است، بررسی تطبیقی اعاده دادرسی در داوری با مقررات این قانون صورت گرفته است

اعادة دادرسی در داوری: نقد قانون داوری تجاری بین‌المللی و... / کبیری و سلطانی‌نژاد ۹

جهات اعاده دادرسی بیان شده است.^۳ نکته درخور توجه درباره ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی آن است که مطابق بند ۲ این ماده، طرف متضرر می‌تواند از داور درخواست رسیدگی مجدد نماید که این اقدام به‌نوعی مصداق اعاده دادرسی در داوری است. از این‌رو، قانون داوری تجاری بین‌المللی در رویکردی جدید، امکان اعاده دادرسی در داوری را فراهم نموده است.^۴

البته این رویکرد نوآورانه مصون از نقد نبوده است و محدودیت‌هایی را برای امکان اعاده دادرسی در داوری ایجاد می‌کند. بر این اساس، این مقاله با در نظر گرفتن تجربه کشورهای مانند فرانسه،^۵ در مقام پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان مقررات و فرایندهای اعاده دادرسی در قانون داوری تجاری بین‌المللی را بهبود بخشید تا عدالت بیشتری را تضمین کند و مشکلات کنونی آن را برطرف نماید. برای پاسخ به این سؤال، ابتدا مفهوم اعاده دادرسی و اهدافی که دنبال می‌کند، بررسی خواهد شد. سپس به بررسی مقررات اعاده دادرسی در قانون داوری تجاری بین‌المللی و نیز طرح جامع پرداخته می‌شود و با مشخصه‌های اعاده دادرسی در قانون آیین دادرسی مدنی ایران و فرانسه و اهداف مدنظر آن تطبیق داده می‌شود و درنهایت، راهکارهایی برای بهبود فرایند اعاده دادرسی برای قانون جامع داوری مطرح خواهد شد.

این تحقیق تلاش دارد با ارائه تحلیل‌های دقیق و پیشنهادهاى عملی، راه‌حل‌های مؤثری برای پیشبرد عدالت در داوری ارائه دهد. امید است که این تحقیق بتواند روند بهبود مقررات اعاده دادرسی را روشن‌تر کرده و به اجرایی شدن عدالت کمک کند.

۲. جایگاه و مختصات اعاده دادرسی در نظام قضایی ایران (قانون آیین دادرسی مدنی)

هیچ رأی مصون از خطا نیست. بنابراین، عدالت و انصاف اقتضا دارد که آرای قضایی قابل‌بازبینی باشند. از این‌رو، در قوانین آیین دادرسی، راه‌های گوناگونی در نظر گرفته می‌شود تا طرفی که گمان می‌کند مورد بی‌عدالتی قرار گرفته است بتواند آرای صادره را به چالش بکشد. در یک تقسیم‌بندی قدیمی، شیوه‌های اعتراض به رأی به دو نوع شیوه‌های «اصلاحی» و «عدولی» تقسیم می‌شوند. شکایت از آرا، عموماً «اصلاح» رأی و تصمیمات قضایی را نزد

۳. لعیا جنیدی، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران با همکاری مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸)، ۱۱۷.

۴. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، جلد ۲ (تهران: داک، ۱۳۹۲)، ۴۲۹.

۵. قانون داوری فرانسه در کتاب چهارم قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه (Code de procédure civile) آمده است. این قانون در سال ۲۰۱۱ اصلاح شده و شامل مقررات داوری داخلی و بین‌المللی است.

مرجع عالی یا مرجعی غیر دادگاه صادرکننده رأی ممکن می‌سازد. ازاین‌رو، «طریقه اصلاحی» رأی شناخته می‌شوند. در مقابل، اگر اعتراض نزد همان دادگاهی مطرح شود که رأی اولیه را صادر نموده است، به جهت بازگشتی که به دادگاه صادرکننده رأی دارد، «طریقه عدولی» شناخته می‌شود.^۶

در یک نوع تقسیم‌بندی دیگر، طرق شکایت از رأی را به «عادی» و «فوق‌العاده» تقسیم می‌کنند. چنان‌که اعتراض به رأی شامل تمامی آرای صادره قضایی باشد و تنها برخی از آرا از این شمول به‌طور استثنایی خارج شده باشند، «طریقه عادی شکایت از آرا» نامیده می‌شود. اما اگر به‌عکس، اصل بر غیرمتداول بودن اعتراض باشد و جز در جهاتی که قانون‌گذار تصریح نموده نتوان از آن شیوه بهره برد، به اصطلاح «طریقه فوق‌العاده شکایت» محسوب می‌شود.^۷

براین‌اساس، با توجه به اینکه اعاده دادرسی روشی است که امکان رسیدگی مجدد نزد همان دادگاه صادرکننده رأی مورد اعتراض را فراهم می‌کند، در زمره «طرق عدولی» است و از آن جهت که منحصر به احکام است و تنها نسبت به آرای امکان طرح دارد که در قانون بدان تصریح شده است، شیوه «فوق‌العاده» محسوب می‌شود. البته عدولی بودن اعاده دادرسی آن را نسبت به سایر طرق فوق‌العاده شکایت (فرجام‌خواهی و اعتراض شخص ثالث) ممتاز ساخته است؛ به این ترتیب که اعاده دادرسی این فرصت را به محکوم‌علیه می‌دهد که اختلاف را برای رسیدگی مجدد ماهوی، نزد همان دادگاه صادرکننده رأی اول مطرح نماید.^۸

از مجموع این مطالب روشن می‌شود اعاده دادرسی یک روش خاص اعتراض به رأی است که با سایر روش‌های اعتراض تفاوت دارد. برای اینکه یک اعتراض را بتوان اعاده دادرسی محسوب کرد، باید سه شرط اساسی داشته باشد: اول، فقط درمورد آرای قطعی قابل اعمال است، یعنی آرای که دیگر قابل تجدیدنظرخواهی عادی نیستند و اعتبار امر مختومه دارند؛ به این معنا که درمورد آن موضوع، نمی‌توان مجدداً طرح دعوا کرد. دوم، موجب بازگشت پرونده به همان دادگاه صادرکننده رأی اولیه می‌شود و این دادگاه باید دوباره موضوع را از نظر ماهوی (نه فقط شکلی) بررسی کند. سوم، فقط در موارد خاص و استثنایی که قانون مشخص کرده می‌توان درخواست اعاده دادرسی کرد و مهلت زمانی محدودی برای طرح آن وجود دارد. این شناخت دقیق از ماهیت اعاده دادرسی به این دلیل مهم است که نظام قضایی

۶. شمس، آیین دادرسی مدنی، ۲: ۲۷۴.

۷. شمس، آیین دادرسی مدنی، ۲: ۲۷۵.

۸. شمس، آیین دادرسی مدنی، ۲: ۴۲۶.

اعاده دادرسی در داوری: نقد قانون داوری تجاری بین‌المللی و... / کبیری و سلطانی‌نژاد ۱۱

و داوری تفاوت‌های اساسی با هم دارند و برای استفاده از اعاده دادرسی در داوری، باید این تفاوت‌ها را در نظر گرفت. اجرای درست اعاده دادرسی در داوری نیازمند درک کامل این شروط و ویژگی‌هاست. در ادامه بحث، هریک از این مؤلفه‌های اصلی، با جزئیات بیشتری تشریح خواهد شد.

۲-۱. محدودیت اعمال اعاده دادرسی به آرای قطعی

اعاده دادرسی مانند سایر طرق فوق‌العاده شکایت از رأی، یعنی فرجام‌خواهی و اعتراض ثالث، تنها پس از قطعیت در مراحل عادی رسیدگی و تعلق اعتبار امر مختومه قابل طرح است. براین اساس، اعاده دادرسی در تضاد آشکار با هدف دادرسی است که پایان دادن به اختلافات طرفین پرونده است. امکان بازبینی در اختلافی که رأی آن صادر شده است، نظم قضایی را بر هم می‌زند و نوعی اختلال در فرایند دادرسی محسوب می‌شود.^۹ همچنان که برخی خاطرنشان می‌نمایند، اعاده دادرسی یک طریقه سهل و آسان نیست؛ چه اتخاذ و قبول این طریق، به استحکام تصمیمات قضایی لطمه می‌زند و قوت و اعتبار قضیه محکوم‌آنها را متزلزل می‌کند.^{۱۰} به همین جهت است که امکان اعتراض به طرق فوق‌العاده، تنها از مسیر تصریح قانونی می‌گذرد. لذا است که عبارات و کلمات قانون در باب اعاده دادرسی بسیار حائز اهمیت است. مطابق ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹، اعاده دادرسی تنها نسبت به احکام قطعیت‌یافته قابل طرح است. براین اساس، چون آرای داوری از جمله احکام قضایی نیستند، قابلیت اعاده دادرسی برای آنان در سیستم قضایی وجود ندارد.^{۱۱} البته این تقيصه حتی با تبعیت از ماده ۵۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه نیز حل نمی‌شود. طبق این ماده، اعاده دادرسی برای هر رأیی که از اعتبار امر مختومه برخوردار باشد قابل طرح است. به این ترتیب، در قرارهای قطعی مانند قرار ابطال درخواست، قرار رد درخواست و قرار رد دعوا، اعاده دادرسی ممکن است، اما در باب آرای داوری، حتی اگر قائل به برخوردار بودن این آرا از اعتبار امر مختومه باشیم، همچنان نمی‌تواند مشمول حکم ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی تلقی شود، چراکه مرجع صادرکننده رأی خارج از سیستم قضایی است و از این رو، به ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی قابل تسری نیست.

۹. ناصر کاتوزیان، اعتبار امر قضاوت‌شده (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳)، ۴۴.

۱۰. احمد متین‌دفتری، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد ۲ (انتشارات مجد، ۱۳۸۱)، ۱۶۵.

۱۱. محمدجواد بهشتی و نادر مردانی، «بررسی تحلیلی اعاده دادرسی دادرسی براساس قانون جدید آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹»، مجله کانون وکلای، شماره ۱۷۶ (۱۳۸۱): ۱۲۷.

۲-۲. فرایند دومرحله‌ای رسیدگی توسط مرجع صادرکننده رأی

چنان که گذشت، اعاده دادرسی طریقه‌ای عدولی است. ازاین‌رو، مرجع رسیدگی‌کننده به درخواست اعاده دادرسی همان مرجع صادرکننده رأی مورد اعتراض است.^{۱۲} همچنان که در ماده ۴۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است، دادخواست اعاده دادرسی باید به دادگاهی ارائه شود که صادرکننده همان حکم بوده است.

همچنین چون اعاده دادرسی طریقه فوق‌العاده است، تنها پس از انطباق درخواست با قانون و پذیرش از جانب دادگاه، امکان رسیدگی ماهوی به اختلاف فراهم می‌شود. ازاین‌جهت، رسیدگی در اعاده دادرسی متشکل از دو مرحله است.^{۱۳} این مطلب به‌روشنی در تبصره ماده ۴۳۵ قانون آیین دادرسی بیان شده است. مطابق این تبصره، دادگاه صالح بدو درمورد قبول یا رد درخواست اعاده دادرسی قرار لازم را صادر می‌نماید (مرحله اول) و در صورت قبول درخواست، مبادرت به رسیدگی ماهوی خواهد نمود (مرحله دوم). به این ترتیب، در آغاز، دادگاه صادرکننده رأی موظف است بررسی نماید که برای مثال، آیا موضوع مورد اعتراض با یکی از جهات قانونی اعاده دادرسی مطابقت دارد یا خیر و آیا مهلت زمانی برای دادخواست اعاده دادرسی رعایت شده است. چنان‌که تشخیص داد اعتراض به‌طور قانونی و مستند به ادله صحیح است، با قرار قبولی، پرونده را به مرحله بعدی یعنی رسیدگی ماهوی منتقل می‌کند. در مرحله دوم، دادگاه مجدداً به موضوع پرونده وارد می‌شود و با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جدید یا مدارک تازه به‌دست‌آمده، رأی جدیدی صادر می‌شود.

۲-۳. جهات استثنایی درخواست اعاده دادرسی

همچنان که بیان شد، لازمه فوق‌العاده بودن اعاده دادرسی آن است که تنها برای جهات منحصر و استثنایی قابل طرح باشد.^{۱۴} مطابق ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، هفت جهت برای اعاده دادرسی ذکر شده است. به‌طور کلی، جهات ماده ۴۲۶ به دو دسته تقسیم می‌گردد: یکی جهاتی که ناشی از اشتباه و خطا دادرس است و دیگری جهاتی که بعد از قطعیت حکم، مشخص شده از برخی سوءرفتارها از جانب طرف

۱۲. شمس، آیین دادرسی مدنی، ۲: ۴۲۶.

۱۳. فریدون نهرینی، «اصول حاکم بر اعاده دادرسی»، تحقیقات حقوقی ۱۴، شماره ۵۵ (آذر ۱۳۹۰): ۹ و ۱۳.

۱۴. نهرینی، «اصول حاکم بر اعاده دادرسی»، ۲.

اعاده دادرسی در داوری: نقد قانون داوری تجاری بین‌المللی و... / کبیری و سلطانی‌نژاد ۱۳

مقابل، منجر به صدور رأی ناعادلانه شده است. بررسی سیر کاهشی جهات اعاده دادرسی در قوانین آیین دادرسی مدنی فرانسه نشان می‌دهد که قانون‌گذار فرانسوی سعی دارد اعاده دادرسی را صرفاً برای آرای در دسترس قرار دهد که حس بی‌عدالتی را در محکوم‌علیه، به جهت سوءنیت طرف مقابل برانگیخته است و سایر موارد اعتراضی مانند حکم در موضوعات خارج از ادعا یا مواردی که ناشی از اشتباهات فاحش قضایی است را در قالب‌های دیگری از طرق شکایت از آرای قضایی گنجانده است.^{۱۵}

۲-۴. محدودیت‌های زمانی اعمال حق اعاده دادرسی

یکی دیگر از موضوعاتی که دادگاه رسیدگی‌کننده به اعاده دادرسی باید در مرحله اول بدان توجه کند، موعد قانونی دادخواست با توجه به نوع جهت اعتراض شده است. طبق ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، اصل بر آن است که مهلت درخواست اعاده دادرسی ۲۰ روز برای اشخاص مقیم ایران و دو ماه برای اشخاص مقیم خارج باشد و زمان آغاز مهلت برای آرای قطعی حضوری، از زمان ابلاغ و برای آرای غیابی، از زمان انقضای مهلت واخواهی و تجدیدنظر است. البته این اصل، به‌غیراز موارد عذر موجه، با دو استثنا تخصیص می‌خورد؛ یکی ناظر به اسناد جعلی و حیل و تقلب است که ابتدای مهلت آن از تاریخ ابلاغ حکم نهایی اثبات جعل و تقلب است و دیگری در باب اسناد مخفی و پنهان‌شده است که از ابتدای تاریخ وصول اسناد یا اطلاع از آن محاسبه می‌شود.

در قانون جدید فرانسه، این استثنا تبدیل به اصل شده است. برحسب ماده ۵۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، مهلت اعاده دادرسی دو ماه از تاریخ اطلاع از وجود جهت اعاده دادرسی است. از آنجاکه جهات اعاده دادرسی در قانون آیین دادرسی مدنی ایران مصوب ۱۳۷۹ مطابق قانون پیشین فرانسه است و شامل جهاتی است که به اشتباه و غفلت قاضی برمی‌گردد، این نوآوری قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، برای قانون آیین دادرسی مدنی ایرانی بلااستفاده است.

۳. تحلیل نظام اعاده دادرسی در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران

قانون داوری تجاری بین‌المللی برگرفته از قانون نمونه آنسیترال ۱۹۸۵ است و بسیاری از مواد

۱۵. مهدی حسن‌زاده، «مطالعه تطبیقی جهات اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۴ (۱۳۹۰): ۱۰-۱۱؛ علی‌عباس حیاتی، «تحلیل نقادانه جهات (اعاده دادرسی) در قانون آیین دادرسی مدنی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، شماره ۵ (۱۳۹۸): ۱۸۹.

و محتوای آن در تطبیق کامل با این متن پیشنهادی بین‌المللی است؛ اگرچه در مواردی از آن عدول نموده و بخش‌هایی را افزوده است، از این جمله بندهای «ح» و «ط» است که ظاهراً مشابه جهات اعاده دادرسی در قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ است (بندهای ۶ و ۷ ماده ۵۹۲).^{۱۶} مطابق بند «ح»، رأی داوری که مستند به سندی باشد و پس از صدور رأی، جعلی بودن آن به موجب حکم نهایی ثابت شده باشد، قابل اعتراض است. همچنین مطابق بند «ط»، اگر پس از صدور رأی، مدارکی کشف شود که دلیل حقانیت طرف معترض بوده و ثابت شود که طرف مقابل وجود آن را کتمان می‌کرده یا آن را پنهان داشته است، محکوم علیه حق دارد ابطال رأی داور را تقاضا دهد. البته این دو بند در ذیل قسمت اول ماده ۳۳ قرار دارند و صرفاً زمینه ابطال رأی داور را فراهم می‌کنند و فی‌نفسه اعاده دادرسی محسوب نمی‌شوند. آنچه سبب شده است این گمان تقویت شود که قانون‌گذار داوری تجاری بین‌المللی درصدد ایجاد فرصت برای اعاده دادرسی بوده است، ناظر به قسمت دوم ماده ۳۳ است که درمورد بندهای «ح» و «ط» بیان می‌دارد طرفی که از سند مجعول یا مکتوم متضرر شده است، می‌تواند پس از درخواست ابطال رأی، از داور تقاضای رسیدگی مجدد نماید. عدول مجدد محکوم علیه به داور، خصوصاً در دو مورد که پیش‌تر از جهات اعاده دادرسی بوده‌اند، همان مفهوم اعاده دادرسی قضایی را تداعی می‌کند.

البته این رویکرد نوآورانه قانون داوری تجاری بین‌المللی در ماده ۳۳، با آنچه اعاده دادرسی می‌نامند فاصله دارد. همچنان که گذشت، شکایت از آرا هنگامی شایسته عنوان اعاده دادرسی است که صرفاً در باب آرای قطعی و پس از تجویز و انطباق با جهات مصرح قانونی امکان‌پذیر باشد و چون طریقه‌ای عدولی است، همان دادگاهی که رأی اول را صادر کرده است، به اختلاف به‌نحو ماهوی رسیدگی کند. با توجه به این ویژگی‌ها، حال باید بررسی نمود آنچه به‌عنوان اعاده دادرسی در قانون داوری تجاری بین‌المللی یاد می‌شود، تا چه اندازه با اعاده دادرسی در معنای حقیقی خود هم‌خوانی دارد. براین اساس، مفاد ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران در بحث اعاده دادرسی، از چهار جنبه شامل نوع تصمیمات قابل‌بازبینی، مرجع رسیدگی، جهات اعاده دادرسی و مهلت درخواست، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۳. نوع آرای داوری قابل اعاده دادرسی در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران

بیان شد که اعاده دادرسی از طرق فوق‌العاده شکایت است. ازاین‌رو، تنها باید به آرای تعلق

۱۶. جنیدی، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی، ۱۱۷.

بگیرد که قطعی و از اعتبار امر مختومه برخوردار هستند. با این حال، در باب تصمیماتی که داور یا دیوان داوری صادر می‌کند، جای این پرسش هست که کدام تصمیمات قابلیت اعاده دادرسی دارند؟ طبق اطلاق ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی، تمامی آرای صادره از مرجع داوری که می‌توان برای آن درخواست ابطال نمود، قابلیت آن را دارد که مشمول مفاد قسمت دوم ماده ۳۳ شود. اما سؤال اصلی این است که آیا «آرا» که در قسمت دوم ماده ۳۳ به آن اشاره شده، شامل تمامی تصمیمات داور (از جمله قراردادهای شکلی و دستورات موقت) می‌شود یا صرفاً آرای نهایی که کل اختلاف را فیصله می‌دهند؟ در واقع، در قانون داوری تجاری بین‌المللی، هیچ تعریف مشخصی از «رأی داوری» وجود ندارد و این ابهام می‌تواند در این زمینه مشکل‌ساز باشد،^{۱۷} چنان‌که:

۱. در داوری، رأی نهایی رأیی است که از اعتبار امر مختومه برخوردار باشد. بنابراین رأی نهایی ممکن است یک جزء اختلاف یا کل رسیدگی را پایان بخشد.^{۱۸} حال سؤال این است که هنگامی که ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی این فرصت را به طرفین اختلاف می‌دهد که به جای درخواست ابطال رأی، از داور تقاضای رسیدگی مجدد نمایند، آرای نهایی را در نظر داشته است یا صرفاً آرای را که کل رسیدگی را به پایان رسانده است؟

۲. داور و هیئت داوری، در طول فرایند داوری، تصمیمات متعددی می‌گیرند که نمی‌توان تمامی آن‌ها را رأی نامید.^{۱۹} از این جمله قراردادهای شکلی هستند که برای امور فنی و شکلی رسیدگی و سازمان‌دهی آن صادر می‌شوند و هیچ اختلافی را حل نمی‌کند. آیا این موارد قابل اعاده دادرسی هستند؟ برای نمونه، مطابق بند یک ماده ۲۳ قانون نمونه، داور می‌تواند برای تشکیل جلسه استماع دستور دهد یا مطابق ماده ۲۰، محل داوری را تعیین نماید. طبق یک نظر، قراردادهای شکلی قابل اعتراض نیستند.^{۲۰} در مقابل، این نظر مطرح است که رأی بودن یا نبودن تصمیمات شکلی وابسته به آن است که داور آن را تحت رأی صادر کرده

۱۷. این اشکال قانون داوری تجاری بین‌المللی، در واقع، به قانون نمونه بازمی‌گردد که هیچ تعریفی از رأی داوری ارائه نداده است. اگرچه هنگام تدوین ماده ۲ قانون نمونه پیشنهاد شد که رأی داوری تعریف شود، اما در باب هیچ تعریفی توافق صورت نگرفت و در نهایت، تصمیم بر آن شد که تعریف رأی در هیچ‌یک از مواد قانون نمونه اشاره نشود.

18. Klaus Peter Berger, *International Economic Arbitration* (United States: KLUWER, 1993), 589.

19. Julian D. M. Lew, Loukas A. Mistelis, and Stefan M. Kroll, *Comparative International Commercial Arbitration* (Netherlands: Springer, 2003), 628.

20. Jarvin Sigvard, "To What Extent Are Procedural Decisions of Arbitrators Subject to Court Review?," In *Improving the Efficiency of Arbitration Agreements and Awards, 40 Years of Application of the New York Convention*, edited by Albert Van den Berg, (Paris: Kluwer, 1998), 369-370.

باشد یا خیر.^{۲۱}

۳. در موارد متعدد از قانون داوری تجاری بین‌المللی، داور اختیار دستور و تصمیم دارد، مانند مواد ۹ و ۱۷ (قرار تأمین و دستور موقت)، ماده ۱۶ (تعیین صلاحیت)، بند دو ماده ۲۴ (رأی غیابی) و ماده ۲۸ (رأی سازشی و مرضی‌الطرفینی). در این موارد، آیا امکان اعاده دادرسی وجود دارد؟

با توجه به فوق‌العاده بودن اعاده دادرسی و خطیر بودن موقعیت نهاد داوری حتی به نسبت سیستم قضایی، برای تجویز اعاده دادرسی، به متن صریح قانونی نیاز است و در محل شک‌وشبهه، باید به قدر متیقن اکتفا نمود. از این جهت، یکی از اشکالات ماده ۳۳ روشن نبودن تصمیمات قابل اعتراض در اعاده دادرسی است.

۲-۳. مرجع رسیدگی به اعاده دادرسی در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران

چنان‌که بیان شد، اعاده دادرسی شیوه اعتراضی ویژه‌ای است که موجب بازگرداندن پرونده به مرجع رسیدگی‌کننده قبلی می‌شود. این ویژگی وجه تمایز اصلی آن با سایر طرق شکایت از آرا محسوب می‌گردد. با بررسی ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، دو روش متفاوت برای اعتراض به رأی داوری قابل‌شناسایی است:

۱. روش اول (مندرج در بند ۱ ماده ۳۳): ابطال رأی داور از طریق مداخله دادگاه قضایی؛
۲. روش دوم (مندرج در بند ۲ ماده ۳۳): اعاده دادرسی از طریق مراجعه مجدد به داور صادرکننده رأی.

آنچه در نظام حقوقی ایران به‌عنوان «اعاده دادرسی در داوری» شناخته می‌شود، دقیقاً ناظر به روش دوم است که در بند ۲ ماده ۳۳ مقرر شده است. طبق این بند، درخصوص موارد مذکور در بندهای «ح» (جعلی بودن سند) و «ط» (کشف مدارک مکتم)، طرف متضرر می‌تواند پیش از درخواست ابطال، از داور تقاضای رسیدگی مجدد نماید.

مراجع رسیدگی به این دو روش اعتراض نیز متفاوت است:

- مرجع رسیدگی به درخواست ابطال (روش اول): دادگاه عمومی مقر داوری (مرجع

21. Aron Broches, "Recourse against the Award; Enforcement of the Award," In *UNCITRAL's Project for a Model Law on International Commercial Arbitration*, edited by Pieter Sanders, (Netherlands: Springer, 1984), 208.

موضوع ماده ۶ قانون)؛

- مرجع رسیدگی به اعاده دادرسی (روش دوم): همان مرجع داوری قبلی.

در ارتباط با اعاده دادرسی در داوری، دو خلأ قانونی مهم قابل‌شناسایی است.

خلأ اول: عدم تعیین تکلیف، در صورت عدم امکان تشکیل مجدد مرجع داوری

سؤال اساسی این است که اگر طرف متضرر تصمیم به اعاده دادرسی نزد داور داشته باشد، اما به هر دلیلی، امکان تشکیل مجدد مرجع داوری فراهم نباشد، چه راهکاری وجود دارد؟ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه در ماده ۱۵۰۲ صراحتاً پیش‌بینی کرده که در چنین مواردی، اعتراض در همان دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به سایر اعتراضات را دارد، مطرح می‌شود. اما قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران در این خصوص ساکت است.

باین‌حال، با تفسیر عبارت «پیش‌از آنکه درخواست ابطال رأی داوری را به عمل آورد» در بند ۲ ماده ۳۳، می‌توان چنین استنباط کرد که در صورت عدم امکان اعاده دادرسی، حق طرح اعتراض در قالب درخواست ابطال در دادگاه قضایی، برای طرف متضرر همچنان محفوظ است.

خلأ دوم: عدم پیش‌بینی آیین رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی

در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، طبق تبصره ماده ۴۳۵، رسیدگی به اعاده دادرسی دومرحله‌ای است. ابتدا دادگاه درمورد قبول یا رد دادخواست اعاده دادرسی قرار لازم را صادر می‌کند و سپس در صورت قبول، به ماهیت دعوا رسیدگی می‌نماید. اما در ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی، علی‌رغم اینکه قانون‌گذار در موقعیت بیان بوده، هیچ اشاره‌ای به نحوه رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی در مرجع داوری نشده است. در نتیجه، ابهام و خلأ قانونی به وجود می‌آید. برای نمونه، تصور کنید شرکت ایرانی «الف»، پس از صدور رأی داوری به نفع شرکت خارجی «ب»، متوجه کتمان مدارک مهمی توسط طرف مقابل می‌شود و تصمیم به اعاده دادرسی نزد داور می‌گیرد. در این حالت، ابهامات متعددی در روند رسیدگی وجود دارد. آیا داور باید ابتدا جلسه‌ای برای بررسی قابلیت پذیرش درخواست تشکیل دهد یا مستقیماً وارد ماهیت شود؟ آیا رسیدگی باید کاملاً از ابتدا صورت گیرد یا صرفاً تأثیر مدارک جدید بر رأی قبلی بررسی شود؟ مهلت‌های قانونی و نحوه تقدیم درخواست چگونه است؟ در مقابل، اگر فرایند دومرحله‌ای مانند آنچه در ماده ۴۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی آمده بود مشخص می‌شد، این ابهامات وجود نداشت و مشخص بود که

ابتدا داور باید درباره قابلیت پذیرش درخواست تصمیم بگیرد و سپس در صورت قبول، به ماهیت رسیدگی کند.

این خلأ قانونی می‌تواند منجر به تفاسیر متفاوت، رویه‌های متناقض و درنهایت، تضعیف اعتبار و کارآمدی داوری ایران شود. بنابراین لازم است این نقیصه در قانون جامع داوری برطرف شود.

۳-۳. جهات قانونی پذیرش اعاده دادرسی در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران

ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی، جهات اعاده دادرسی را به‌طور مشخص، در دو مورد خلاصه کرده است: نخست، اثبات جعل سندی که مبنای رأی داوری بوده و دوم، کشف مدرکی که دلالت بر حقانیت داشته، اما از سوی طرف مقابل پنهان شده باشد. این دو مورد شباهت قابل‌توجهی با دو مورد پایانی ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی ایران دارند. باوجوداین، قانون آیین دادرسی مدنی، در مجموع، هفت جهت برای اعاده دادرسی برشمرده که سه مورد از آن‌ها به‌طور مستقیم به اعمال سوءنیت طرف مقابل، ازجمله حيله و تقلب مؤثر مربوط می‌شوند. در مقابل، ماده ۳۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی صرفاً به جعل سند و کتمان مدرک اشاره کرده و از حيله و تقلب طرف مقابل سخنی به میان نیاورده است. این محدودیت در حالی است که در نظام حقوقی فرانسه، دامنه جهات اعاده دادرسی گسترده‌تر است و رفتارهای سوء طرفین در فرایند داوری را به شکل جامع‌تری پوشش می‌دهد. به‌عنوان مثال، ماده ۵۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، علاوه بر موارد مذکور، مواردی نظیر شهادت کذب و سوگند دروغ را نیز به‌عنوان جهات اعاده دادرسی در نظر گرفته است. این رویکرد نشان‌دهنده توجه نظام حقوقی فرانسه به برقراری تعادل میان تضمین عدالت در داوری و حفظ کارآمدی این روش حل اختلاف است.

با مقایسه قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران با قوانین کشورهایمانند فرانسه، این پرسش مطرح می‌شود که چرا قانون‌گذار ایرانی صرفاً به دو جهت محدود برای اعاده دادرسی اکتفا کرده است؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش را باید در فلسفه بنیادین داوری و اهداف موردانتظار طرفین از این فرایند جست‌وجو کرد. برخی از حقوق‌دانان معتقدند که انتظار اصلی طرفین از داوری، دستیابی به راهکاری سریع، کم‌هزینه و قاطع برای حل اختلافات است. به همین دلیل، توسعه بی‌رویه جهات اعاده دادرسی و افزایش امکان تجدیدنظر در آرای داوری، می‌تواند با کاهش سرعت و قطعیت داوری، این اهداف را به چالش بکشد. از این منظر،

داوری به‌عنوان یک روش حل اختلاف کارآمد، زمانی ارزش خود را حفظ می‌کند که از اطاله دادرسی و پیچیدگی‌های مرسوم در دادگاه‌های ملی دور بماند.^{۲۲} همچنان‌که برخی بیان می‌کنند، در حل اختلاف، تمرکز اصلی باید حل مشکل برای رسیدن به آرامشی پایدار باشد و به‌جای پرداختن بی‌فایده به جنبه‌های صرفاً حقوقی، باید به حفظ روابط افراد، خصوصاً روابط تجاری ایشان بها داد.^{۲۳} همچنین، گروهی دیگر از حقوق‌دانان، با تأکید بر اهمیت سرعت در داوری و پرهیز از طولانی شدن رسیدگی‌ها، چنین استدلال می‌کنند که هدف اصلی از محدود کردن جهات ابطال و اعاده دادرسی، حفظ جایگاه داوری به‌عنوان یک سازوکار سریع و قاطع برای حل و فصل اختلافات تجاری است.^{۲۴} این دیدگاه بر آن است که نظام داوری نباید به دام ویژگی‌های نظام‌های حقوقی ملی، به‌ویژه اطاله دادرسی و تجدیدنظرهای مکرر گرفتار شود.

باین‌حال، در مقابل این دیدگاه، برخی دیگر از حقوق‌دانان، ضرورت پیش‌بینی سازوکار اعاده دادرسی برای آرای داوری را مورد تأکید قرار می‌دهند. استدلال این گروه آن است که رأی داور، در عمل، جایگزین رأی دادگاه می‌شود و نباید از امتیازات نامتعارف و غیرمنطقی برخوردار باشد. به‌عبارت دیگر، همان‌گونه که آرای دادگاه‌ها، باوجود رعایت تشریفات دادرسی و تخصص قضات، ممکن است در معرض اشتباه قرار گیرند و نیاز به بازبینی داشته باشند، آرای داوری نیز نباید از این امکان مستثنا شوند. به‌ویژه آنکه، داوران، هرچند به‌عنوان قاضی خصوصی طرفین شناخته می‌شوند، اما رأی آن‌ها نیز می‌تواند تحت تأثیر عواملی مانند اسناد جعلی یا اطلاعات پنهان قرار گیرد. ازاین‌رو، این دسته از حقوق‌دانان معتقدند که حذف کامل امکان اعاده دادرسی برای آرای داوری، می‌تواند منجر به تضییع حقوق طرفین و بی‌اعتمادی به نظام داوری شود.^{۲۵}

به بیان دقیق‌تر، پرسش اساسی این است که اگر پس از صدور رأی داوری و اتمام مهلت‌های قانونی اعتراض، مشخص شود که رأی بر مبنای یک سند جعلی صادر شده است، آیا عدالت حکم نمی‌کند که به طرف متضرر فرصتی برای حق اعاده دادرسی داده شود؟

۲۲. منصور جعفریان، «تأملاتی بر لایحه داوری تجاری بین‌المللی (۴)»: تصحیح و اعتراض به رأی داوری»، مجلس و پژوهش، شماره ۱۶ (تیر ۱۳۷۴): ۱۹۸-۱۹۷.

۲۳. زینب طلا بکی، «بررسی دادرسی کدخدامنشان به توجّه به ماهیت کدخدامنشی و تفاوت آن با قضاوت و داوری»، حقوق تطبیقی ۸، شماره ۲ (۱۴۰۰): ۲۵۹-۲۶۲.

۲۴. جنیدی، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی، ۱۱۸.

۲۵. عبدالله خدابخشی، حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۰)، ۶۳۴.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار داوری تجاری بین‌المللی، در تدوین ماده ۳۳، به دنبال یافتن موازنه‌ای ظریف میان ضرورت مقابله با بی‌عدالتی‌های احتمالی در فرایند داوری و اهمیت حفظ اعتبار و قطعیت آرای داوری بوده است. با این حال، رویکرد میانه اتخاذ شده در این ماده، به نظر می‌رسد نتوانسته است به طور کامل، اهداف اعاده دادرسی را محقق سازد و در عین حال، به طور جامع، از اعتبار امر مختومه آرای داوری حفاظت نماید. به عبارت دیگر، مشکل اصلی نه در تعداد محدود جهات اعاده دادرسی، بلکه در عدم تفکیک مناسب میان مباحث مربوط به ابطال رأی داوری و اعاده دادرسی نهفته است. به نظر می‌رسد راهکار اساسی برای رفع این نقیصه، اختصاص یک ماده مستقل به بحث اعتراض برای ابطال رأی داوری و ماده‌ای جداگانه به اعاده دادرسی و جهات آن باشد.

۳-۴. مهلت درخواست برای اعاده دادرسی در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران

مطابق ماده ۴۲۷ آیین دادرسی مدنی، مهلت اصلی اعاده دادرسی دو ماه است و ابتدای آن از تاریخ ابلاغ است. ابتدای این مهلت برای جهات جعل و تقلب و کتمان تفاوت دارد. طبق ماده ۴۲۹، ابتدای مهلت برای جهات جعل و تقلب، از تاریخ ابلاغ حکم نهایی اثبات آن و طبق ماده ۴۳۰، ابتدای مهلت جهت اسناد مکتوم، از تاریخ وصول مدارک است. در قانون داوری تجاری بین‌المللی، مهلت دادخواست برای اعتراض به آرای داوری، در بند ۳ ماده ۳۳ آمده است. در این ماده، تفاوتی میان جهات گوناگون نیست و برای تمامی جهات ابطال رأی، مهلت سه ماه تعیین شده است.

نکته قابل توجه این است که هیچ مقرره‌ای درباره فرصت طرف متضرر برای تقاضای رسیدگی مجدد از داور تعیین نشده است. بنابراین، مهلت اعاده دادرسی در قانون داوری تجاری بین‌المللی وضعیت مشخصی ندارد. اینکه بند ۲ این ماده به طرف متضرر اجازه می‌دهد پیش از درخواست ابطال به داور مراجعه کند، بدان معناست که فرصت مازاد بر مهلت سه ماهه بند ۳ دارد یا آنکه در هر صورت، سه ماه برای درخواست ابطال در نظر گرفته می‌شود؟ چنان که فرایند داوری مجدد به هر دلیل متوقف شود، آیا مهلت سه ماهه برای درخواست ابطال رأی از زمان توقف داوری است یا از ابتدای تاریخ ابلاغ محاسبه می‌شود؟

احتمالاً آنچه سبب شده است در قانون داوری تجاری بین‌المللی مهلت ویژه‌ای برای بندهای «ح» و «ط» در نظر گرفته نشود، همان دغدغه است که در بحث قبل، در باب تعداد جهات اعاده دادرسی بیان شد و توجه به سرعت حل اختلافات و حل منازعات بدون تزلزل

اعاده دادرسی در داوری: نقد قانون داوری تجاری بین‌المللی و... / کبیری و سلطانی‌نژاد ۲۱

در داوری است. به این ترتیب، یک بار دیگر قرار دادن مبحث اعتراض برای ابطال رأی داوری در کنار اعاده دادرسی، سبب شده است که حق مطلب برای این شیوه اعتراض فوق‌العاده به نحو مطلوبی ادا نگردد.

با توجه به اشکالاتی که ماده ۳۳ در بحث اعاده دادرسی دارد، پیشنهادهایی مطرح می‌شود که در بخش بعدی بدان پرداخته خواهد شد.

۴. بررسی تطبیقی وضعیت اعاده دادرسی در طرح جامع داوری: نوآوری‌ها و کاستی‌ها

در این بخش به تحلیل مستقل نهاد اعاده دادرسی در طرح جامع داوری می‌پردازیم. در طرح جامع داوری، موضوع اعاده دادرسی و فرایند آن مورد توجه قرار گرفته و نسبت به قانون داوری تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶، برخی از اشکالات پیشین مرتفع شده است. از جمله نقاط قوت این طرح آن است که با پوشش هم‌زمان داوری داخلی و داوری خارجی، مشکل فقدان امکان اعاده دادرسی رسیدگی در داوری داخلی را برطرف می‌سازد. چنان‌که برخی محققان اشاره کرده‌اند، پیش از تصویب طرح جامع، «جای خالی اعاده دادرسی رسیدگی در داوری داخلی، رویه قضایی را وادار به ارائه راه حل می‌کرد».^{۲۶} علاوه بر این، یکی دیگر از جنبه‌های قابل توجه این طرح، تخصیص دو ماده جداگانه به موضوع اعتراض برای ابطال رأی و اعاده دادرسی رسیدگی است: ماده ۸۵ با عنوان «ابطال رأی» و ماده ۹۰ با عنوان «اعاده دادرسی در داوری». همچنین در باب جهات اعاده دادرسی، مهلت درخواست و نحوه رسیدگی به اعاده دادرسی در داوری، تحولاتی صورت گرفته است. با این حال، همچنان برخی ایرادات باقی مانده و همچنین اشکالات جدیدی نیز به طرح وارد است. در ادامه، نقاط قوت و ضعف اعاده دادرسی در داوری در طرح جامع را بررسی می‌کنیم.

۴-۱. ابهام در تعریف آرای قابل اعاده دادرسی

در مبحث قبل، درخصوص قانون داوری تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶، اشاره شد که اعاده دادرسی شیوه‌ای فوق‌العاده است و صرفاً ناظر به آرای است که از اعتبار امر مختومه برخوردارند. در طرح جامع داوری نیز همانند قانون ۱۳۷۶، تعریف دقیقی از رأی داوری ارائه نشده و تعیین اینکه کدام تصمیمات داور قابل اعاده دادرسی هستند همچنان محل تردید است. این اشکال به طرح جامع داوری وارد است و مشخص نیست تصمیمات داور مانند

۲۶. محمدکاظم بیات، محمد بهرامی خوشکار و احمد میرمعزی، «بررسی امکان‌پذیری جهات اعاده دادرسی نسبت به رأی داور در حقوق ایران با نگاهی به حقوق فرانسه»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی ۱۵، شماره ۵۵ (۱۴۰۱): ۵۷۹-۵۸۰.

دستورات شکلی و انضباطی و اقدامات تأمینی، آیا مشمول اعاده دادرسی هستند یا خیر. همچنین در مواردی که داور تنها بخش قابل تفکیک از رسیدگی را به پایان رسانده و رأی صادر کرده است، مشخص نیست آیا امکان اعاده دادرسی وجود دارد یا باید تا پایان دستور کار داور به انتظار ماند.

۲-۴. تفکیک مواد مربوط به ابطال و اعاده دادرسی

نکته مثبت در طرح جامع داور آن است که با جدا ساختن مواد مربوط به ابطال از اعاده دادرسی، خلطی که در قانون ۱۳۷۶ درباره مرجع رسیدگی به اعاده دادرسی وجود داشت، از بین رفته است. همچنین در پاراگراف دوم ماده ۹۰ طرح جامع، به نحوه رسیدگی به اعاده دادرسی پرداخته شده و جنبه دوا مرحله‌ای اعاده دادرسی در داور بیان شده است. طبق این ماده، هرگاه پس از رسیدگی، داور درخواست اعاده دادرسی در داور را وارد تشخیص دهد (مرحله اول)، رأی قبلی را نقض و رأی مقتضی صادر می‌کند (مرحله دوم).

۳-۴. ابهام در استمرار حق اعتراض

یکی از اشکالات وارده به قانون داور تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶ این بود که اگر با وجود تقاضای اعاده دادرسی از داور، امکان رسیدگی در مرجع داور فراهم نشود، آیا امکان اعتراض به رأی همچنان برای طرف متضرر باقی است یا خیر. در قانون ۱۳۷۶، قید «پیش از آنکه درخواست ابطال رأی داور را به عمل آورد» این احتمال را قوت می‌بخشید که همچنان حق طرح اعتراض در دادگاه قضایی برای طرف متضرر وجود دارد.

در مقابل، در ماده ۹۰ طرح جامع داور تأکید شده است که تقاضای اعاده دادرسی «به جای تقدیم دادخواست ابطال رأی داور به دادگاه» است. چنین عبارتی می‌تواند این گمان را تقویت کند که پس از درخواست اعاده دادرسی، فرصت دیگری برای اعتراض برای ابطال رأی وجود ندارد.

۴-۴. محدودیت در جهات اعاده دادرسی

در مبحث قبل اشاره شد که محدودیت قانون داور تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶ در تعداد جهات برای اعاده دادرسی، به دلیل حفاظت از اعتبار رأی داور و حفظ سرعت رسیدگی است و اگر به جای یک ماده، دو ماده جداگانه برای درخواست ابطال و درخواست اعاده دادرسی در نظر گرفته شود، این مشکل برطرف می‌شود.

اعاده دادرسی در داوری: نقد قانون داوری تجاری بین‌المللی و... / کبیری و سلطانی‌نژاد ۲۳

در طرح جامع داوری، هرچند این جداسازی انجام شده است، اما همچنان جهات اعاده دادرسی محدود به موارد مذکور در درخواست ابطال است و این اشکال همچنان پابرجاست.

۴-۵. نوآوری در جهات اعاده دادرسی

در طرح جامع داوری، جهت جدیدی برای اعاده دادرسی در نظر گرفته شده است که در قانون نمونه آنسیترا و قانون آیین دادرسی مدنی ایران و فرانسه وجود نداشته است. طبق بند ۸ ماده ۸۵ طرح جامع، چنانچه رأی داور برخلاف مفاد حکم قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی یا حکم قطعی صادرشده در دعوای غیرقابل ارجاع به داوری باشد، این رأی قابل ابطال است.

علاوه بر اینکه امکان درخواست ابطال برای چنین امری قابل نقد است، در نظر گرفتن آن به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی در داوری، با فلسفه اعاده دادرسی که همانا حمایت از داوری در برابر سوءنیت محکوم‌له است، همخوانی ندارد. همچنین، دو جهت دیگر ناظر بر کشف تقلب و حيله و گواهی و شهادت دروغین در طرح جامع داوری، جزو جهات اعاده دادرسی در نظر گرفته نشده است.

۵. راهکارهای اصلاحی برای بهینه‌سازی نظام اعاده دادرسی در قوانین داوری

علاوه بر پیشنهاداتی که در طول مقاله، به صورت موردی، پس از نقد مقررات اعاده دادرسی در داوری بیان شد، دو راهکار اساسی برای بهینه‌سازی نظام اعاده دادرسی در داوری تجاری قابل ارائه است. راهکار نخست به ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای داوری در مدیریت فرایند اعاده دادرسی می‌پردازد و راهکار دوم، جایگزینی رویکرد نوین بازنگری رأی توسط داور به جای سازوکار سنتی اعاده دادرسی را پیشنهاد می‌کند. در ادامه، این دو راهکار اصلاحی، با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۵-۱. الگوی پیشنهادی مدیریت فرایند اعاده دادرسی در سازمان‌های داوری

برای بهبود فرایند اعاده دادرسی در داوری، پیشنهاد می‌شود که این فرایند تحت مدیریت سازمان داوری انجام گیرد. تحقیقات و مطالعات متعدد نشان می‌دهند که مدیریت متمرکز مراحل مختلف داوری توسط سازمان داوری، منجر به بهبود کارایی و ارتقای کیفیت داوری شده است. چنان‌که در دنیای داوری بین‌المللی، وجود سازمان‌های داوری مانند ICC و

LCIA، جایگاه نهاد داوری در حوزه حل اختلافات بین‌المللی را ارتقا بخشیده است و توانسته با ارائه سازوکارهای پیشرفته و نظارت دقیق، مراحل گوناگون داوری، خصوصاً مراحل مربوط به تشکیل دیوان داوری را کنترل و تنظیم نماید. این سازمان‌ها با سازمان‌دهی مؤثر منابع و بهره‌گیری از نظرات تخصصی داوران حرفه‌ای، توانسته‌اند فرایند داوری را بهبود ببخشند و ضریب خطاهای احتمالی را کاهش دهند.^{۲۷}

همچنان‌که از طرح جامع داوری قابل‌دریافت است، نحوه مدیریت فرایند اعاده دادرسی در داوری مسئله حائز اهمیتی است. چنان‌که یکی از مسائل مطرح‌شده در ماده ۹۰ طرح، مدیریت زمان توسط داور است. مدیریت روند اعاده دادرسی توسط سازمان داوری، موجب کاهش اتلاف زمان و هزینه و افزایش اقبال جامعه به سیستم داوری فرایند می‌شود.

یکی دیگر از مزایای مدیریت سازمان داوری برای اعاده دادرسی آن است که قواعد و رویه‌های استاندارد در سایه فعالیت‌های آن شکل می‌گیرد که تضمین‌کننده عدالت و انصاف بیشتری است. سازمان‌های داوری معمولاً دستورالعمل‌ها و قواعد دقیقی برای رسیدگی به درخواست‌های داوری دارند که باعث می‌شود فرایندهای داوری به‌صورت شفاف قابل‌پیش‌بینی باشند. براین اساس، اعاده دادرسی در داوری که رویکردی جدید در سیستم داوری ایران محسوب می‌شود، با کمک سازمان‌های داوری، از ساختار و رویه منسجم و ثابت برخوردار می‌شود.

به‌علاوه، سازمان‌های داوری با در اختیار داشتن ابزارهای فناورانه پیشرفته، مدیریت و نظارت دقیق‌تری بر فرایند اعاده دادرسی در داوری، نسبت به داوری موردی و حتی سیستم قضایی اعمال می‌کنند. در دنیا، سازمان‌های داوری معتبر اغلب از سیستم‌های مدیریت پرونده الکترونیکی و پلتفرم‌های دیجیتال استفاده می‌کنند که بهبود سرعت و دقت در بررسی‌ها را ممکن می‌سازند. این موضوع نه تنها به افزایش کارایی، بلکه به تأمین شفافیت و پاسخ‌گویی بیشتر منجر می‌شود.^{۲۸}

به این ترتیب، پیشنهاد می‌شود که سازوکارهای مشخصی برای حضور مؤثرتر و سامانمند سازمان‌های داوری، برای مدیریت فرایندها و مراحل گوناگون داوری مانند اعاده دادرسی در داوری در نظر گرفته شود.

27. Gary Born, *International Commercial Arbitration* (United States: KLUWER, 2015), 2930.

28. Richard Susskind, *Online Courts and the Future of Justice* (United Kingdom: Oxford University Press, 2019), 112.

۵-۲. بازنگری رأی توسط داور: جایگزینی کارآمد برای اعاده دادرسی سنتی

در اصطلاح حقوق داوری، دو ابزار عدولی شکایت از رأی وجود دارد که مشابه یکدیگر هستند. آنچه در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران به کار گرفته شده است، اعاده دادرسی^{۲۹} به سبک فرانسوی است که در ماده ۱۵۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه به کار گرفته شده است. این در حالی است که در غالب قوانین داوری، خصوصاً در فضای داوری بین‌الملل، شیوه دیگری از اعاده دادرسی مرسوم است که به اصطلاح آن را بازنگری^{۳۰} می‌نامند. آنچه در قانون نمونه در بند ۴ ماده ۳۴ بیان شده است ناظر بر همین نوع از اعاده دادرسی است.

اگرچه هر دو شیوه زمینه بازگشت و تشکیل مجدد دیوان داوری را فراهم می‌کنند، اما تفاوت‌های درخور توجهی نیز با یکدیگر دارند. اعاده دادرسی مدل فرانسوی^{۳۱} به طرفین این امکان را می‌دهد که در صورت کشف مدارک جدید یا وقوع اشتباهات فاحش، درخواست بررسی مجدد رأی داوری را داشته باشند. این نوع اعاده دادرسی بر اصول عدالت و انصاف تأکید دارد و به منظور تصحیح احتمالی خطاهای جدی و یا کشف حقایق جدید صورت می‌گیرد. در مقابل، بازنگری در مدل پیشنهادی قانون نمونه، به منظور ممانعت از ابطال رأی داوری در محاکم قضایی در نظر گرفته است. در این شیوه، زمانی که دادگاه به این نتیجه برسد که رأی داوری دارای ایرادات اساسی است که می‌تواند به ابطال آن منجر شود، دستور بازبینی را صادر کرده و پرونده را به داوران ارجاع می‌دهد تا نسبت به اصلاح نقص‌های موردنظر اقدام کنند. به این ترتیب، اعتبار نهاد داوری تقویت می‌گردد و از مداخله بی‌رویه دادگاه‌ها جلوگیری می‌شود. چنان‌که حسب قانون داوری انگلیس، این نظر وجود دارد که ابطال رأی شیوه جبرانی بسیار سنگینی برای داوری و طرفین داوری است و صرفاً باید در زمانی به کار گرفته شود که نتوان با اعاده دادرسی اختلاف به داوری، نتایج مدنظر را محقق کرد.^{۳۲}

به نظر می‌رسد بهتر بود قانون داوری تجاری بین‌المللی همان طریقه قانون نمونه را در پیش می‌گرفت و اعاده دادرسی را که دربردارنده تمامی جهات موجب ابطال رأی بود و با صلاحدید دادگاه بدان اقدام می‌شد، در پیش می‌گرفت. از این جهت، پیشنهاد می‌شود به جای اعاده دادرسی در داوری که بیشتر با فضای سیستم قضایی هم‌خوانی دارد، شیوه بازبینی آرای

29. revision.

30. remission.

31. Le recours en revision.

32. Alan Redfern and Murray Smith, *Law and Practice of International Commercial Arbitration* (London: Sweet & Maxwell, 2004), 589; Lew, Mistelis, and Kroll., *Comparative International Commercial Arbitration*, 682.

داوری در طرح جامع داوری به کار گرفته شود.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد مبحث اعاده دادرسی در قانون داوری تجاری بین‌المللی و طرح جامع داوری، با قوانین دیگر مانند آیین دادرسی مدنی فرانسه و قانون نمونه داوری آنسیترا ل تطبیق و مقایسه شود تا ایرادات این فرایند اعاده دادرسی در داوری روشن گردد. در نهایت پیشنهادات ذیل به دست آمد:

۱. نوع آرای که امکان اعاده دادرسی در آن هست، مشخص شود.
۲. میان مبحث اعتراض برای ابطال رأی با اعاده دادرسی تفکیک کامل صورت گیرد. جهات خاص اعاده دادرسی و مهلت‌های آن صرفاً در مواد مرتبط در اعاده دادرسی در داوری بیان شود.
۳. جهات اعاده دادرسی در داوری شامل جهاتی باشد که مانع از سوء رفتار افراد درگیر در اختلاف می‌شود. به این ترتیب، جهات باید شامل تحصیل رأی با تقلب، کشف اسناد مؤثر و مکتوم، اثبات جعلیت اسناد مؤثر در رأی و اعلام دروغین بودن گواهی‌های مکتوب، شهادت‌ها و سوگندهای قضایی مؤثر بر رأی باشد.
۴. فرصتی مجدد برای حق اعتراض به رأی برای مواردی که به هر دلیل امکان رسیدگی مجدد در داوری فراهم نشده، در نظر گرفته شود.
۵. سازوکاری صحیح برای مدیریت فرایند اعاده دادرسی تحت مدیریت سازمان‌های داوری اتخاذ شود.
۶. بهتر است به جای سازوکار سنتی اعاده دادرسی^{۳۳}، رویکرد نوین بازنگری رأی توسط داور^{۳۴} که در بند ۴ ماده ۳۴ قانون نمونه آنسیترا ل پیش‌بینی شده است، در نظام داوری تجاری ایران به کار گرفته شود.

33. Le recours en revision.

34. remission of award.

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

- بهشتی، محمدجواد، و نادر مردانی. «بررسی تحلیلی اعاده دادرسی دادرس براساس قانون جدید آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹»، *مجله کانون وکلا*، شماره ۱۷۶ (بهار ۱۳۸۱): ۱۲۳-۱۴۲.
- بیات، محمدکاظم، محمد بهرامی خوشکار، و احمد میرمعزی، «بررسی امکان‌پذیری جهات اعاده دادرسی نسبت به رأی داور در حقوق ایران با نگاهی به حقوق فرانسه»، *تحقیقات حقوقی بین‌المللی* ۱۵، شماره ۵۵ (۱۴۰۱): ۵۹۷-۵۷۷.
- جعفریان، منصور. «تأملاتی بر لایحه داوری تجاری بین‌المللی (۴)»: تصحیح و اعتراض به رأی داور، «مجلس و پژوهش»، شماره ۱۶ (تیر ۱۳۷۴): ۱۷۵-۲۰۸.
- جنیدی، لعلیا. *نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران با همکاری مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- حسن‌زاده، مهدی. «مطالعه تطبیقی جهات اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی* ۱۵، شماره ۴ (۱۳۹۰): ۱-۱۴.
- حیاتی، علی‌عباس. «تحلیل نقادانه جهات «اعاده دادرسی» در قانون آیین دادرسی مدنی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی* ۱۸، شماره ۵ (۱۳۹۸): ۲۰۶-۱۸۷.
- خدابخشی، عبدالله. *حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی*. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۰.
- شمس، عبدالله. *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*. جلد ۲، تهران: دراک، ۱۳۹۲.
- طالبکی، زینب. «بررسی دادرسی کدخدامنشانه با توجه به ماهیت کدخدامنشی و تفاوت آن با قضاوت و داوری»، *حقوق تطبیقی* ۸، شماره ۲ (پاییز و زمستان ۱۴۰۰): ۲۵۹-۲۸۰.
- کاتوزیان، ناصر. *اعتبار امر قضاوت‌شده*. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳.
- متین‌دفتری، احمد. *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*. جلد ۲، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۱.
- نهرینی، فریدون. «اصول حاکم بر اعاده دادرسی». *تحقیقات حقوقی* ۱۴، شماره ۵۵ (آذر ۱۳۹۰): ۲۷-۱.

ب- منابع لاتین:

- Berger, Klaus Peter. *International Economic Arbitration*. United States: KLUWER, 1993.
- Born, Gary. *International Commercial Arbitration*. United States: KLUWER, 2015.

- Broches, Aron. "Recourse against the Award; Enforcement of the Award." In *UNCITRAL's Project for a Model Law on International Commercial Arbitration*, edited by Pieter Sanders, 201-227. Netherlands: Springer, 1984.
- Holtzmann, Howard, and Joseph Neuhaus. *A Guide to the UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration: Legislative History and Commentary*. United States: KLUWER, 2011.
- Lew, Julian D. M., Loukas A. Mistelis, and Stefan M. Kroll. *Comparative International Commercial Arbitration*. Netherlands: Springer, 2003.
- Redfern, Alan, and Murray Smith. *Law and Practice of International Commercial Arbitration*. London: Sweet & Maxwell, 2004.
- Sigvard, Jarvin. "To What Extent Are Procedural Decisions of Arbitrators Subject to Court Review?" In *Improving the Efficiency of Arbitration Agreements and Awards, 40 Years of Application of the New York Convention*, edited by Albert Van den Berg, 383-387. Paris: Kluwer, 1998.
- Susskind, Richard. *Online Courts and the Future of Justice*. United Kingdom: Oxford University Press, 2019.